

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بازتایپ، ویراستاری، پیشگفتار و ارسال از: دیپلوم انجنیر نسرین معروفی
۸ دسمبر ۲۰۱۷

دو نوع سیاست همزیستی مسالمت آمیز به کلی متضاد - ۱

دو نوع

سیاست همزیستی مسالمت آمیز

به کلی متضاد

ششمین تفسیر از نامه سرگشاده کمیته مرکزی
حزب کمونیست اتحاد شوروی

هیأت تحریریه روزنامه "ژن ژبیائو" (مردم)
هیأت تحریریه مجله "خون چی" (پرچم سرخ)
(۱۲ دسمبر ۱۹۶۳)

چاپ اول ۱۹۶۴

چاپ دوم ۱۹۶۴

اداره نشریات زبانهای خارجی
پکن [بیجینگ] ۱۹۶۴

از بیستمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی تا کنون مسأله همزیستی مسالمت آمیز شاید مسأله ای به شمار برود که رفیق خروشچف و دیگران در سخنرانیهای خود بیش از هر مسأله دیگر نسبت به آن ابراز علاقه کرده اند. رهبران حزب کمونیست اتحاد شوروی لاینقطع دم می زنند که به سیاست همزیستی مسالمت آمیز لنینی وفادار اند و آن را به طور خلاق رشد داده اند. آنان یک رشته پیروزیهای را که خلقهای کشور های جهان در مبارزات انقلابی طولانی به دست آورده اند به حساب خدمات "همزیستی مسالمت آمیز" خود گذاشته اند. رهبران حزب کمونیست اتحاد شوروی با بوق و کرنا سروصدا راه می اندازند که گویا امپریالیسم، به ویژه امپریالیسم امریکا از همزیستی مسالمت آمیز طرفداری می کند و لجام گسیخته به حزب کمونیست چین و کلیه احزاب مارکسیستی - لنینیستی تهمت می زند که گویا آنها علیه همزیستی مسالمت آمیز برخاسته اند. نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی حتا مدعی است که چین "در برافروختن جنگ" با امپریالیسم مسابقه می دهد.

رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی بیانات و عملیات خود را که عدول از مارکسیسم - لنینیسم، از انقلاب جهانی پرولتری و امر انقلاب خلقهای ستمدیده و ملل رنجدیده سراسر جهان است سیاست همزیستی مسالمت آمیز لنینی و انمود می کند.

اما آیا کلمات "همزیستی مسالمت آمیز" می تواند در دست رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی چون طلسم چشم بندی برای روپوشی خیانتش به مارکسیسم - لنینیسم به کار رود؟ نه، نه، هرگز نه.

دو نوع سیاست همزیستی مسالمت آمیز به کلی متضاد در برابر ما قرار دارد:

یکی سیاست همزیستی مسالمت آمیز لنین و ستالین می باشد که کلیه مارکسیست - لنینیستها من جمله کمونیستهای چین از آن طرفداری می کنند.

دیگری سیاست همزیستی مسالمت آمیز ضد لنینی یعنی به اصطلاح خط مشی اصلی "همزیستی مسالمت آمیز" است که خروشچف و نظایر وی از آن پیروی می نمایند.

حالا ببینیم سیاست همزیستی مسالمت آمیز لنین و ستالین کدام است و به اصطلاح خط مشی اصلی "همزیستی مسالمت آمیز" خروشچف و نظایر وی چه کالائی است.

سیاست همزیستی مسالمت آمیز لنین و ستالین

ایده سیاست همزیستی مسالمت آمیز کشورهای سوسیالیستی با کشورهای دارای نظامهای اجتماعی گوناگون از طرف لنین مطرح شده است. این سیاست صحیح سیاسی است که حزب کمونیست اتحاد شوروی و دولت اتحاد شوروی به رهبری لنین و ستالین در مدت طولانی از آن پیروی می کردند.

قبل از انقلاب اکتوبر که در جهان کشور سوسیالیستی وجود نداشت بدیهی است که مسأله همزیستی مسالمت آمیز بین کشورهای سوسیالیستی و کشورهای سرمایه داری نیز نمی توانست وجود داشته باشد. اما هنوز در سالهای ۱۹۱۵ - ۱۹۱۶ بود که لنین بر اساس تحلیل علمی امپریالیسم پیش بینی کرد که "سوسیالیسم نمی تواند در یک زمان در کلیه کشورها پیروز گردد و اول در یک کشور و یا در چند کشور به پیروزی نائل خواهد آمد و سایر کشورها در مدت معینی همچنان به شکل کشورهای بورژوازی و یا کشورهای قبل از دوران بورژوازی خواهند ماند". (لنین: "برنامه نظامی انقلاب پرولتری: کلیات لنین"، جلد ۲۳ صفحه ۶۷) این بدان معناست که مدتی در جهان وضع همزیستی بین کشورهای سوسیالیستی و کشورهای سرمایه داری و یا کشورهایی که پا به مرحله سرمایه داری نگذارده اند، پدید خواهد آمد. ماهیت رژیم سوسیالیسم حکم می کند که کشورهای سوسیالیستی تنها می توانند از سیاست خارجی صلحجویانه پیروی کنند. لنین گفته بود: "تنها طبقه کارگر است که می تواند بعد از به دست گرفتن حکومت سیاست صلح را در عمل نه در گفتار به موقع اجراء بگذارد". (لنین: "طرح قطعنامه سیاست زمان معاصر"، "کلیات لنین"، جلد ۲۵ صفحه ۲۹۱-۲۹۲) می توان گفت این نقطه نظر لنین پایه ایده ای سیاست همزیستی مسالمت آمیز می باشد.

پس از پیروزی انقلاب اکتوبر لنین بارها سیاست خارجی صلحجویانه کشور شوروی را به نام جهان اعلام داشت. ولی امپریالیستها لجوجانه قصد داشتند جمهوری سوسیالیستی نوزاد را در گهواره خفه نمایند و به مداخله مسلحانه در امور کشور شوروی دست زدند. لنین در باره این وضع چنین گفته است: "بدون دفاع مسلحانه از جمهوری سوسیالیستی ما نمی توانستیم وجود داشته باشیم". (لنین: "هشتمین کنگره حزب کمونیست روسیه (بلشویک)، کمیته مرکزی"، "کلیات لنین" جلد ۲۹ صفحه ۱۳۳ چاپ روسی)

تا سال ۱۹۲۰ خلق کبیر شوروی بر مداخلات مسلحانه امپریالیسم پیروز گردید. بین کشور شوروی و کشورهای امپریالیستی تا حدود معنای تساوی نسبی قواء به وجود آمد.

کشور شوروی که بعد از چند سال آزمایش نیرو بالاخره به پای خود استوار گردید، از مرحله جنگ به مرحله ساختمان مسالمت آمیز قدم نهاد. درست در چنین شرایطی بود که لنین ایده سیاست همزیستی مسالمت آمیز را مطرح ساخت و امپریالیسم هم در واقع درست از همین موقع از روی ناگزیری "همزیستی" با کشور شوروی را پذیرفت. در زمان حیات لنین این تساوی قواء همواره فوق العاده متزلزل بود، زیرا جمهوری شوروی سوسیالیستی در محاصره جدی سرمایه داری قرار داشت. لنین به کرات خاطر نشان ساخت: به علت ماهیت تجاوزکارانه امپریالیسم نمی توان تضمین کرد که این وضع همزیستی مسالمت آمیز بین سوسیالیسم و سرمایه داری برای مدت طولانی حفظ گردد. در شرایط تاریخی آن زمان لنین امکان نداشت مضمون مفصل سیاست همزیستی مسالمت آمیز بین کشورهای دارای نظامهای اجتماعی گوناگون را تعیین کند. ولی لنین کبیر سیاست خارجی صحیح اولین کشور دکتاتوری پرولتاریا را تدوین کرده و ایده اساسی سیاست همزیستی مسالمت آمیز را نیز مطرح ساخت.

ایده اساسی لنین در باره سیاست همزیستی مسالمت آمیز چیست؟

اول - لنین متذکر شد که خود وجود کشور سوسیالیستی از بیخ و بن خلاف میل امپریالیسم می باشد. با وجود آن که کشور سوسیالیستی پیگیرانه از سیاست خارجی صلحجویانه پیروی می کند امپریالیسم هرگز راضی نیست که با آن در صلح و مسالمت زندگی نماید و پیوسته با استفاده از کلیه امکانات و با به چنگ آوردن فرصت مناسب می کوشد علیه کشور سوسیالیستی برخاسته و آن را نابود سازد.

لنین گفته است: "امپریالیسم بین المللی بر حسب وضع عینی خود و بنابر منافع اقتصادی آن طبقه سرمایه داری که ممثلش می باشد نمی تواند با جمهوری شوروی خو بگیرد." (لنین: "هفتمین کنگره حزب کمونیست روسیه (بلشویک)، گزارش راجع به جنگ و صلح"، "کلیات لنین" جلد ۲۷ صفحه ۷۰ چاپ روسی)

لنین همچنین یادآور شده است: "وجود جمهوری شوروی در کنار دول امپریالیستی برای مدت متمادی دور از عقل است. آخر الامر روزی یکی از آنها بر دیگری پیروز می شود. تا وقتی که این روز نرسیده است وقوع یک سلسله وحشت انگیزترین تصادمات بین جمهوری شوروی و دول بورژوازی اجتناب ناپذیر است." (لنین: "هشتمین کنگره حزب کمونیست روسیه (بلشویک)، گزارش کمیته مرکزی"، "کلیات لنین" جلد ۲۹ صفحه ۱۳۳ چاپ روسی)

بنابراین لنین به کرات لزوم اعتلای دائمی هوشیاری را برای دولت سوسیالیستی نسبت به امپریالیسم یادآور شده است. وی خاطر نشان ساخته است: "درسی که کلیه کارگران و دهقانان باید بیاموزند این است که آماده باشند و به خاطر داشته باشند که ما در محاصره آن اشخاص، طبقات و دولی هستیم که بزرگترین نفرت ها را نسبت به ما علناً ابراز می دارند. باید دانست که در برابر هرگونه تهاجمی ما همیشه به مؤی آویزانیم." (لنین: "نهمین کنگره نمایندگان شوراهای سراسر روسیه، در باره سیاست داخلی و خارجی جمهوری"، "کلیات لنین"، جلد ۳۳ صفحه ۱۲۲ چاپ روسی)

دوم - لنین خاطر نشان ساخته است: همزیستی مسالمت آمیز دولت شوروی با کشورهای امپریالیستی از برکت مبارزه خستگی ناپذیر دولت شوروی امکان پذیر شده است و از آن جهت ممکن شده است که کشور شورا ها سیاست صحیحی را اعمال داشته و به پشتیبانی پرولتاریا و ملل ستمدیده سراسر جهان تکیه کرده است و از تضاد های بین کشورهای امپریالیستی استفاده نموده و بارها با کشورهای امپریالیستی زور آزمائی نموده است.

در نوامبر سال ۱۹۱۹ لنین گفت: "همیشه اینطور است که وقتی دشمن را می زنی شروع به مصالحه می کند. ما به آقایان امپریالیست اروپائی بارها گفته ایم که با صلح موافقم، اما آنها آرزومند برده کردن روسیه هستند. تازه حالا آنها فهمیده اند که آرزوی آنها جامه عمل نخواهد پوشید." (لنین: "سخنرانی در نخستین مشاوره سراسر روسیه در مورد کار حزب در ده"، "کلیات لنین"، جلد ۳۰ صفحه ۱۲۴ چاپ روسی)

در سال ۱۹۲۱ لنین نشان داد که "دولت امپریالیستی با وجود تمام نفرتی که به روسیه شوروی دارند و میل دارند به آن حمله کنند معذک از این فکر امتناع ورزیدند برای آن که تجزیه جهان سرمایه داری قوس صعودی طی می کند، وحدت آنها کاهش و بازهم کاهش می یابد و فشاری که از جانب بیش از یک میلیارد خلقهای ستمدیده مستعمرات بر آنها وارد می گردد سال به سال و ماه به ماه و حتی هفته به هفته شدت می یابد." (لنین: "دهمین کنفرانس سراسر روسیه حزب کمونیست روسیه (بلشویک)، سخنرانی در پایان کنفرانس"، "کلیات لنین" جلد ۳۲ صفحه ۴۱۲ - ۴۱۳ چاپ روسی)

سوم - لنین در سیاست همزیستی مسالمت آمیز خود نسبت به انواع گوناگون کشورهای جهان سرمایه داری برخورد متفاوتی معمول می داشت.

لنین برای برقراری مناسبات دوستانه با کشورهای که امپریالیسم آنها را تحقیر کرده و در معرض ستم قرار می داد، اهمیت بخصوص قائل بود و "توافق حیاتی تمام خلقهای را که از ستم امپریالیسم رنج می بردند" یادآور شده است. او گفت: "سیاست جهانی امپریالیسم موجب نزدیک شدن، اتحاد و دوستی تمام خلقهای ستمدیده می گردد" و سیاست صلح دولت شوروی "ارتباط فشرده جمهوری شوروی سوسیالیستی فدراتیو روسیه را با دول همسایه که در اطرافش رو به افزایش اند، ممکن می سازد." (لنین: "هشتمین کنگره شورا های سراسر روسیه، گزارش در باره فعالیت شورای کمیسر های خلق"، "کلیات لنین" جلد ۳۱ صفحه ۴۶۰ چاپ روسی)

لنین همچنین گفته است: "وظیفه اصلی که اکنون ما در مقابل خود قرار می دهیم پیروزی بر استثمارگران و جلب متردین به سوی خود می باشد و این وظیفه جهانی است. متردین یک عده دول بورژوازی هستند که به مثابه دولت بورژوازی نسبت به ما نفرت دارند اما از طرف دیگر به مثابه ستمدیدگان، صلح با ما را ترجیح می دهند." (لنین: "گزارش در باره کار کمیته اجرایی مرکزی سراسر روسیه و کمیسیون شورای خلق"، "کلیات لنین" جلد ۳۰ صفحه ۲۹۹ چاپ روسی)

اما در مورد دول امپریالیستی مثلاً ایالات متحده آمریکا، لنین روی اساسهای صلح با آمریکا درنگ کرده می گفت: "بگذار سرمایه داران آمریکا به ما دست نزنند و برای چنین صلحی هیچ مانعی از طرف ما وجود ندارد و مانع آن امپریالیسم از جانب سرمایه داران آمریکا مانند دیگر سرمایه داران می باشند." (لنین: "پاسخ به پرسشهای معتبر روزنامه آمریکائی "نیویارک ایوینگ ژورنال"، "کلیات لنین" جلد ۳۰ صفحه ۳۴۰ چاپ روسی)

چهارم - سیاست همزیستی مسالمت آمیز لنین سیاست پرولتاریای به حکومت رسیده می باشد که نسبت به دول دارای نظامهای اجتماعی متفاوت به کار می برد. لنین هرگز چنین محسوب نمی داشت که سیاست همزیستی مسالمت آمیز تمام مضمون سیاست خارجی دولت سوسیالیستی را تشکیل می دهد. او بارها به وضوح نشان داد که اساسی ترین اصل سیاست خارجی دولت سوسیالیستی انترنسیونالیسم پرولتاری است.

لنین گفت: "روسیه شوروی کمک به کارگران جهان را در مبارزه مشکل شان به خاطر زیرو رو کردن سرمایه داری بزرگترین افتخارات می شمارد." (لنین: "چهارمین کنگره جهانی انترنسیونال کمونیست و شورای نمایندگان کارگران و سربازان ارتش سرخ"، "کلیات لنین" جلد ۳۳ صفحه ۳۷۹ چاپ روسی)

در فرمان صلح که بلافاصله پس از انقلاب اکتوبر صادر شد لنین به موازات پیشنهاد به کلیه دول محارب در مورد انعقاد فوری صلح بدون الحاق و بدون غرامات جنگی، کارگران آگاه کشورهای سرمایه داری را مخاطب قرار داده از آنها دعوت کرد تا با اقدامات همه جانبه، قطعی، فداکارانه و نیرومند خود به کشور شوراها کمک کنند که "کار صلح و همراه با آن کار آزادی توده های زحمتکش و اهالی استثمارزده را از هرگونه بردگی و هر جور استثمار پیروزمندانه به آخر برساند." (لنین: "گزارش در باره مسئله صلح" در دومین کنگره شوروی کارگران و سربازان سراسر روسیه "کلیات لنین" جلد ۲۶ صفحه ۲۲۰ چاپ روسی)

لنین در مسوده طرح برنامه حزب که برای هفتمین کنگره حزب کمونیست روسیه (بلشویک) تدوین کرد به روشنی معین نمود که "پشتیبانی از جنبش انقلابی پرولتاریا سوسیالیستی در کشورهای پیش افتاده" و "پشتیبانی از جنبش دموکراتیک و انقلابی در تمام کشور ها به طور کلی و در مستعمرات و کشور های وابسته به ویژه" مضمون عمده سیاست بین المللی حزب را تشکیل می دهد. ("کلیات لنین"، جلد ۲۷ صفحه ۱۳۲ چاپ روسی)

پنجم - لنین همیشه همزیستی مسالمت آمیز بین طبقات ستمدیده و ستمگر، بین ملل ستمدیده و ستمگر را غیر ممکن می دانست. لنین در "تذاریف وظایف اساسی دومین کنگره انترنسیونال کمونیستی" یادآور شد که "اکنون با فرهنگترین و دموکرات ترین بورژوا ها هم برای نجات مالکیت خصوصی خود روی وسائل تولید، از هیچ گونه فریب، جنایت و کشتار میلیونها نفر کارگر و دهقان ابا ندارند". لنین به این نتیجه می رسد که "هرگونه خیال باطل در باره تبعیت مسالمتجویانه سرمایه داران از اراده اکثریت استثمارشوندگان و هرگونه گمانی در باره گذر مسالمت آمیز و رفورمیستی به سوسیالیسم نه تنها حد اعلای تنگ نظری بی شعورانه می باشد بلکه مستقیماً فریب کارگران، پرده پوشی برده داری مزدوری سرمایه داری و مخفی داشتن حقایق است." ("کلیات لنین" جلد ۳۱ صفحه ۱۶۲ چاپ روسی)

لنین به کرات به یاهو سرائی های سراپا دروغ امپریالیستها در باره برابری ملل اشاره کرده می گفت: "جامعه ملل و کلیه سیاستهای بعد از جنگ متفقین بازهم آشکارتر و حادثر این حقیقت را فاش می سازد که همچنان که در همه جا مبارزات انقلابی پرولتاریای کشورهای پیشرو و مبارزات کلیه توده های زحمتکش کشور های مستعمره و وابسته شدت می یابد، شکست تصورات تنگ نظرانه ملی مبنی بر امکان همزیستی مسالمت آمیز و برابری ملل نیز در شرایط سرمایه داری تسریع می شود." (لنین: "نخستین مسوده تزهائی در باره مسایل ملی و مستعمراتی"، "کلیات لنین" جلد ۳۱ صفحه ۱۲۳ چاپ روسی)

چنین است مضمون اساسی اندیشه لنینی در باره سیاست همزیستی مسالمت آمیز. ستالین جداً از سیاست همزیستی مسالمت آمیز پیروی می کرد. ستالین طی سی سال که در پست رهبری دولت شوروی بود بدون تزلزل این سیاست را به موقع اجراء گذاشت. تنها در آن حالت که امپریالیسم و ارتجاع تحرکات مسلحانه را علیه اتحاد شوروی بر پا ساخته و یا دست به جنگ تجاوزی علیه آن می زدند، اتحاد شوروی ناچار می گردید به منظور دفاع از خود به مقابله پردازد و یا حتا به جنگ میهنی برخیزد.

ستالین نشان می داد: "اساس مناسبات ما با کشور های سرمایه داری امکان دادن به همزیستی دو سیستم متضاد است." و "حفظ مناسبات مسالمت آمیز با کشور های سرمایه داری وظیفه حتمی ما می باشد." (ستالین: "پانزدهمین کنگره حزب کمونیست شوروی (بلشویک)، گزارش سیاسی کمیته مرکزی"، "کلیات ستالین" جلد ۱۰ صفحه ۲۸۹ چاپ روسی)

ستالین همچنین یادآور می شود که "همزیستی مسالمت آمیز بین کپیتالیسم و کمونیسم به شرط وجود تمایل دوطرفه به همکاری، به شرط آمادگی برای انجام تعهدات و به شرط مراعات اصول برابری و عدم مداخله در امور داخلی دول

دیگر کاملاً ممکن است." (ستالین: "پاسخ به پرسشهای گروه ردکتوران روزنامه های امریکائی"، روزنامه "پراودا" ۲ آوریل سال ۱۹۵۲)

ستالین در عین این که بدون تزلزل سیاست لنینی همزیستی مسالمت آمیز را دنبال می کرد جداً با این مخالفت می ورزید که برای جلب لطف امپریالیسم از پشتیبانی از انقلاب خلقهای کشورهای مختلف سرباز زده شود. او با صراحت تمام وجود دو خط مشی سیاست خارجی متضاد را نشان داده می گفت: "یکی از این دو":

یا "ما سیاست انقلابی را همچنان در پیش می گیریم و پرولتاریا و ستمدیدگان کلیه کشورها را به گرد طبقه کارگر اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی متحد می سازیم و در آنصورت سرمایه بین المللی به هر وسیله مزاحم حرکت ما به پیش می شود"، و یا "ما از سیاست انقلابی خود سرباز می زنیم و در برابر سرمایه بین المللی در اصول به یک سلسله گذشته می رویم و در آنصورت شاید سرمایه بین المللی از "کمک" در کار تنزل کشور سوسیالیستی مان به جمهوری بورژوازی "نیکوکار" دریغ نکند".

ستالین در توضیح فکر خود گفت: "امریکا از ما می خواهد که اصولاً از سیاست پشتیبانی از جنبش های آزادیبخش طبقه کارگر سایر کشورها امتناع ورزیم و همه چیز به مجرای خوب می افتاد اگر ما به چنین گذشته تن در می دادیم ... ولی آیا به چنین گذشته می توان تن در داد؟"

سپس ستالین پاسخ داد که خیر! "ما نه به این گذشت و نه به نظایر آن نمی توانیم تن دردهیم و به خود خیانت کنیم". (ستالین: "در باره کار های پلنوم متحد اپریل کمیته مرکزی و کمیسیون کنترول مرکزی"، "کلیات ستالین" جلد ۱۱ صفحه ۵۵ - ۵۶ چاپ روسی)

این حرفهای ستالین تا کنون همچنان دارای اهمیت بزرگ واقعیهانه است. واقعاً دونوع سیاست خارجی به کلی متضاد وجود دارد و حقیقتاً دو نوع سیاست همزیستی مسالمت آمیز به کلی متضاد موجود است. تشخیص این دونوع سیاست از یک دیگر، پافشاری روی سیاست لنین و ستالین، مبارزه قطعی با سیاست خیانت آمیز، تسلیم طلبانه و عدم پشتیبانی از انقلاب که ستالین آن را شدیداً محکوم ساخت و مبارزه قطعی با سیاست انحطاط کشور های سوسیالیستی به جمهوریهای بورژوازی "نیکوکار" وظیفه مهم کلیه مارکسیست - لنینیستها می باشد.

ادامه دارد